

روایت خونین و غم انگیزی از یک جنایت ! حکایت ناتمام و غم باری از حوادث **خونین** هلمند !

پیوسته به گذشته قسمت پنجاه و دوم

در غارهای تنهائی ، بیهوده گی به دنیا آمد ، خون بوی بنگ و آفیون میداد -زنهای باردار نوزادهای بی سر زائیدند و گهواره از شرم به گورها پناه آوردند.

« نیما یوشیج،»



محمد امین فروتن

هرچند قصد دارم مبحثی را که قبلاً در راستای کنکاش و تحلیل پهلوهای مختلف حادثه خونین هلمند در زیر مبحث انتقام خونین و خاکستری انگلیسها در هلمند ! و در پاراگراف " بازگشت به خویش و چنگ زدن به مؤلفه خود آگاهی " آغازیده ام تکمیل نمائیم و قرار است پس از اشاره مختصر به ابعاد گوناگون ماجرای که به حادثه خونین پاریس معروف است و گروه های خشونت طلب و بنیادگرای شریعت گرا با تفکر داعشی که تفاوت بینش آن با دیگر گفتمان های دینی معاصر در جهان اسلام بویژه قرئت انسانی و توحیدی از دین اسلام که عقلانیت و خرد متعهد جمعی را ملاک تکامل تاریخ و برپائی نظام سیاسی در جوامع بشری می دانند متفاوت است آن مبحث باقی مانده را به اتمام رسانم .

https://www.youtube.com/watch?v=jKFwfF_MYWM

چنانچه در یک روز سرد زمستانی دامن پاریس که آنرا عروس باخترمی نامند با خون فرزندان اش این آیه های از کتاب مقدس آفرینیش خدا وند رنگین شد . خونها ریخته شد ، و جم جمه ها را بر زمین کوبیدند و به صورت بی رحمانه تنه های شان را از تن جدا ساختند . این بار نیز شمشیر زنان ماهر همان **شومن های** شناخته شده خشونت طلب از تبار القاعده در جنون جستجوی بهشت شیطانی موعود ، شمشیر ها را از غلاف کشیدند و چنگالهای هولناک خویش را به تن جماعتی گستاخی از نسل آدم فرو کردند و غریبوی از زالو صفتان در تظاهر بر نعره های آسمانی الله اکبر خیابانهای پاریس را فرا گرفت .

<https://www.youtube.com/watch?v=LUQg2gmmLak&feature=youtu.be>

روشن است که حرمت به " انسان " در این گفتمان تندروانه و صله بیمار وزائده ای تحمیلی است که چهره نورانی و اصیل اندیشه های اسلامی باید در فرآیند بازنگری از شر آن برهاند . که سخن گفتن

از حرمت به « انسان » بویژه پیروان دیگر ادیان به مثابه ویروس مهلک و گزافه گوئی های شناخته میشود بخصوص در عصر دولت مدرن که فریضه امر به معروف و نهی از منکر به شیوه خشونت آمیز را لازمه تکوین و تحکیم شریعت محمدی می دانند و افرادی با فتوای یک مفتی بیمار روانی قتل و سربریدن مخالفین و دیگر اندیشان را در هر کجای از زمین و در هر مقطعی از تاریخ که بیابند در انطباق با شریعت اسلامی از وظائف شرعی !! خویش میدانند که قتل های اخیر و فاجعه باری که در فرانسه افرادی را به قتل رساندند نمونه بارز آن است . مهمترین مسأله ای که بیش از همه در شناخت این حوادث خونین باید در نظر گرفته شود همانا اراده ای است که برمبنای تفکر و بینش برخاسته است گفتمانها و قرئت های در دین اسلام است که با شیوه های خونین و در انطباق با قرئت تاریخی و متحجر مذهبی که با شیوه های همچون حادثه ای اخیر پاریس در حوزه فرآیند امر بالمعروف و نهی از منکر عملی گردید و با انجام خونین آن گروه های داعش و القاعده آنرا تشویق و مسؤلیت آنرا نیز بر عهده گرفتند .



طبیعی است که اکثر هواداران همین گفتمان متحجر داعشی و القاعده ای این حوادث را یا با تمامی صراحت مورد تائید قرار میدهند و یا هم وقتی میخواهند با ضرب زبانی های ریأ کارانه آنرا توجیه شرعی کنند مسؤلیت آنرا به دوش گرداننده گان آن مجله طنز می اندازند و با استدلالات معیوب شان فراموش میکنند کسانی را که با آگاهی و عقلانیت که معمولاً آگاهی دریک جامعه استبداد زده محصول اطلاعاتی میباشد که در امتداد تاریخ بشر سینه به سینه برای رجالی میرسند و دربسیاری از مقاطع تاریخ و جغرافیا به وجدان جمعی مبدل میگردد ، البته نباید همیشه در انتظار آن باشیم که نوع حقیقت را آنچنانی که بوده بدون مسخ و فرسوده گی های استعماری درحوزه فرهنگی -سیاسی و جغرافیایی ما و دیگران به مشاهده برسند و ظهور کنند ، اگر نه چه کسی نه میداند که شخصیت روحانی و سیره عرفانی پیامبر گرامی اسلام محمد رسول الله صلی علیه وآله وسلم که چندین صد سال قبل از امروز زندگی نموده است از آن همه اتهامات و لاطا ثلاث گوئی های که چندین نسل بعد دربستر یک فرهنگ مذهبی سکولار غربی که برپایه های چنین هذیان گوئی ها و لاطا ثلاث استحکام یافته است میرأ میباشند . ؟ انصاف این است که اندیشه ها و اندوخته های زندگی

<https://www.youtube.com/watch?v=AJws9yspfvk>

سیاسی و فرهنگی حضرت پیامبر را با معیارها و پارامترهای ارزیابی جریان‌ات و حوادث همان عصری که پیامبر در آن به بعثت رسیده بود و در آن به سر میبرد مورد بررسی و یاهم نقد قرار داد . بنابراین بی ربط نخواهد بود که اکنون با توجه به کاریکاتورهای منتشر شده در هفته نامه «شارلی ابدو» که محتوای اکثر کارتونها و کاریکاتورهای آن بر مبنای اطلاعات ناقص نسبت به سیره اکثر رجالی که بخشی از زندگی آنها به زبان طنز و کاریکاتور این هفته نامه انعکاس یافته است استوار گردیده اند . وبه یقین که این گونه اطلاعات ناقص بیش از همه به زیان سوابق تاریخی هنرکارتون و طنز که از ضروریات مسلم کار مطبوعاتی به شمار می آید تمام میشود . از سوی دیگر باید گفت که به هیچ وجه ماسوا از هر نوع صغری و کبری کردنها در حوزه قتل بی گناهان و گناهکاران ، قتل گرداننده گان هفته نامه «شارلی ابدو» را در مغایرت کامل با ابتدائی نورم های اخلاقی زندگی بشری باید دانست و آنرا با تند ترین الفاظ محکوم کرد . و من نیز بحیث کسی که سالهای زیادی از عمرم در پژوهش اندیشه های دینی اسلامی سپری شده است این عمل خونین را قویاً محکوم میکنم .

چگونه بازگشت و بازگشت به کدام خویش ؟

صیاد پی صید دویدن عجیبی نیست صید از پی صیاد دویدن ، عجب این است

چنانچه قبلاً اشاره نمودیم در راستای راه حل بنیادینی بحران افغانستان خود آگاهی بالا تر از هر نوع آگاهی اعم از فلسفی ، علمی و تکنیکی قرار دارد و باید هم به مثابه یک جوهر شناسنده و استخراج کننده ارزش واقعی یک انسان بحیث یک واحد فردی و در فرآیند و مناسبات اجتماعی بحیث یک ارزش ملی نگریده شود . آنهای که خود را متولیان فکری و سیاسی جامعه جنگ زده ما می شمارند و با ادعای حرفی برای گفتن در نیم قرن اخیر به جان هم افتادند و بهترین فرصتها را به هیاهو و هوچیگری برای هیچ هدر دادند متأسفانه در میان ما و دولتمردان و کاربدستان ما هستند نه اندک که تمام یا اکثریت قریب به اتفاق چنین رجال و کاربدستان وابسته به قدرتهای کبیر و صغیر بوده اند و در نتیجه اعتماد و تکیه ما به آنها باعث میشود که همان قدرت های صغیر و کبیر ما را بازی دهند و به تدریج در معادلات قدرت و بازیهای معمول سیاسی فشار " سیأ " سی وارد کنند . همین هلمند را بنگرید که چگونه انگلیس ها از همان روز اول استقرار نیروهای شان نه تنها نقشه راه ، راه بلدان و مهره های دست بوس شانرا بصورت دقیق عملی ساختند بلکه برای این سیاست جیوپولیتیکی خویش سیاست ها و استراتژی های سائر همکاران در ائتلاف جهانی مبارزه با تروریسم را نیز نادیده گرفتند و بیش از نیم دهه بصورت مستقل جلگه های هلمند باستانی را تحت نام مبارزه با تروریسم به غارت و یغما بردند . بگذاریم از اینکه استراتژیستهای انگلیسی و راه بلدان افغان تبار شان در طول هشت سال سیاست های غارتگرانه انگلیس چه گفته اند ؟ و در قلمروی بنام افغانستان و با اتکا به برنامه خلع سلاح کردن با ارتش واقعاً ملی افغانستان که قدامت آن به چندین صد سال میرسد چه شده است ؟ فقط کافی است آگاهی را به یاد آوریم که حضرت الحاج محمد حنیف اتمر جانباز معرکه جلال آباد اکنون مشاور امنیتی و همه کاره ارگ شریف که زمام وزارت امور داخله را برعهده داشت و ستر جنرال محمد رحیم وردک دامت برکاته !! کرسی "وزارت دفاع مائیلی !! " را اشغال نموده بودند بنام نیروهای کمپاین در چهارچوب وزارت دفاع و پولیس نظم عامه ظاهراً وابسته با وزارت داخله افغانستان

مخالفین مسلح افغانستان تحت تربیت قرار می‌گرفتند و در صورت لزوم توسط طیاره های انگلیسی از جنوب غرب به شمال انتقال می یافتند ،



البته این حکایت از همان آغاز حضور نیروهای انگلیسی در باب مسأله شفاخانه اضطراری یا Emergency Hospital که در چندین شهر افغانستان منجمله ولایت باستانی هلمند مجروحان جنگی مخالفینی را تداوی میکردند که حین جنگ با سربازان ائتلاف جهانی ضد تروریسم جراحات بر میداشتند و از راه کوئته بلوچستان وارد شفاخانه اضطراری واقع در ولسوالی موسی قلعه هلمند می شدند . تا در آن شفاخانه تحت تداوی قرارگیرد و دروباره درجنگ با کفار یا همان یهود و نصارای غیر " ولایتی " * که همانا نیروهای انگلیسی باشند وگوشمالی دادن آنها در ولایات مختلف افغانستان جهاد فی سبیل الله و استراتژی تاریخی بریتانیای کبیر تشکیل می دهد اعزام میگردند . در هر صورت ازاین حرفهای مسخره آمیز بسیار داشتیم که دردل توده های مظلوم ما مانده است اما نه میتوان لحظاتی را فراموش کرد که در اوج دؤمین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان درسال ۱۳۸۸ هجری شمسی وقتی جنرال عطاً محمد نورمتولی روضه شریف بلخ در یک سخنرانی تاریخی گفت که حکومت مرکزی بالاخص شخص وزیر امور داخله در ناآرامی های شمال دست دارد و اگر نتایج انتخابات به نفع داکتر عبدالله تمام نه شود و مردم دست به بغاوت زنند مسؤلیت آن متوجه دولت مرکزی و شخص حنیف اتمر خواهد بود . پس از این هوشدار نیروهای از همان سربازانی را که تحت نام نظم عامهو زیر چتر تشکیلات وزارت داخله افغانستان تحت تربیت قرار گرفته بودند در طیاره های ترانسپورتنی نظامی انگلیس از هلمند به زون شمال که در آن زمان جنرال پتنگ آمریت عمومی زون شمال را بر عهده داشت منتقل و در آن قرار گاه جابجا نمودند ، که باری مسأله انتقال نیروهای مخالفین توسط طیاره های نامعلوم از هلمند به شمال نیز افشاً گردید و حضور اعلیحضرت حامد خان کرزی در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران در باره این گزارشها گفت که ما هم این گزارشها را شنیده ایم و هیأتی را نیز به منظور دریافت چگونگی این گزارشها توظیف نموده ایم که بصورت مفصل نتایج بررسی های هیأت متذکره را با شما نیز درمیان خواهیم گذاشت .. **ادامه دارد**

* کشور انگلستان را در نیم قاره هند بنام " ولایت " می شناختند